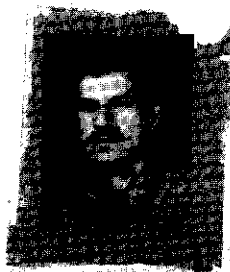


چکیده

قرن ششم و هفتم هجری را باید دور ان تعالی نثر نویسی فارسی دانست؛ دوره ای که در آن نثر فارسی به پیروی از شعر، به سوی زیباتر شدن گام برداشت و رویکرد گسترده ای برای آرایش های کلامی در نثر فارسی ایجاد شد. این گرایش عظیم، حتی نویسندگان کتب تاریخی را نیز تحت تأثیر قرار داد. بر این اساس کتاب های تاریخی بسیاری در ایران به رشته ی تحریر در آمده اند؛ که به جای تکیه بر اصل رسایی معنی بر صورت آرایبی و تصویر آفرینی تکیه دارند. لذا از اهمیت زبانی و ادبی والایی برخوردارند. تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی از آن دسته است. نویسنده در این مقاله می کوشد، با نگاهی دوباره و دیگر گونه به متن جهانگشا، عوامل اصلی ادبی ساز و ایماژ های شاعرانه ی آن را - که از عوامل حقیقی گرایش نثر های فنی به سوی شعر است - به شکل جامع تری تفسیر نماید. با هم تلخیص مقاله را می خوانیم.

زیبایی شناسی نثر جهانگشای جوینی

ویژگی های
ادبی و تصویر پردازی های
نثر شاعرانه



♦ سید علی قاسم زاده

وی کارشناس ارشد دانشگاه تربیت مدرس و

عضو گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

اسلام شهر و پژوهشگر در مباحث ادبی است.

برخی از مقالات نویسنده عبارتند از

روان شناسی رنگ ها، رنگ و زمینه های نمادین

آن در اشعار معاصر، آسیب شناسی تربیت دینی

از دیدگاه ملامتیه و چند مقاله ی دیگر.

کتابخانه

بزرگ های ادبی، تصویر پردازی های

شاعرانه، نثر جهانگشا

«جهانگشا» نمونه ی بارز نثر ادبی، فنی و گاه منکلفانه ی گذشتگان و در واقع ادامه ی نثر فنی قرن ششم فارسی است. «نثر فنی در یک کلام نثری است که می خواهد تشبیه به شعر کند و بدین لحاظ هم از نظر زبان، هم از نظر تفکر و هم از نظر مختصات ادبی دیگر نمی توان دقیقاً آن را نثر دانست، که هدف آن تفهیم و تفاهم و انتقال پیام به صورت مستقیم است، بلکه نثری است شعروار که مخیل است و زبان تصویری دارد و سرشار از صنایع ادبی است.» (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۷۶) به همین دلیل تمام ویژگی های نثر فنی چون: موازنه، سجع و تجنیس، اشتقاق، مراعات نظیر، تلمیح و استدلال به آیات و احادیث، استشهاد به آیات عربی و فارسی و... در آن به وفور یافت می شود.

نشانه های ادبی نثر جهانگشا:

۱- اطناب: آرایش های کلامی و

تصویر سازی های ادبی و گاه تفننی، در کنار

داستان‌سرایان‌های جوینی، جهانگشارا
 مبتنی بر اطناب کرده است و این از
 عمده‌ترین عوامل بریدگی و گسست توالی
 معانی در کتاب‌های فنی و مصنوع از جمله
 جهانگشاست. الزام جوینی به آوردن
 مترادفات، تشبیهات ادبی و اتخاذ روش
 درازگویی و گاه حاشیه‌پردازی در هنگام نقل
 وقایع، از جمله نشانه‌های اطناب سخنان
 اوست. اگرچه جمله‌هایی از کتاب چون
 سخن درویش نیشابوری در حکایت
 حمله‌ی مغولان: «آمدند و کشتند و کردند
 و سوختند و بردند و رفتند.» - گاه نمونه‌ی
 کامل ایجاز در ادب فارسی به‌شمار
 می‌روند، اما در کل و در محور عمودی،
 این کتاب به دلیل استفاده از آرایه‌های لفظی
 و ایماژهای شاعرانه، بر بلندنویسی استوار
 است.

۲- سجع و تضمین المزدوج (اعنات)

القرینه: از برجسته‌ترین صنایع کلامی
 جوینی استفاده‌ی فراوان او از سجع است،
 که گاه با اعنات و موازنه در نثر همراه
 می‌شود و بر زیبایی آن می‌افزاید. با این که
 نثر جوینی در همه جای کتاب یکدست
 نیست، اما کم‌تر صفحه‌ای از صفحات
 جهانگشا را می‌توان دید که خالی از این
 صنعت باشد؛ صنعتی که بیش‌ترین بار
 صوری را در آهنگین نمودن نثر فنی برعهده
 دارد. چرا که این از ویژگی نثر فنی است که
 می‌کوشد خود را به مرز شعر نزدیک کند و
 سجع همان قافیه در نثر است. از سوی
 دیگر روشن است در دورانی که علمای
 بلاغت کاربرد سجع را از محسنات هر کلام
 منثور و از دلایل رونق آن می‌دانند؛ گرایش
 نویسندگان به استفاده از آن تا چه اندازه
 خواهد بود. (خطیبی، ۱۳۷۵،
 ص ۱۷۶) اکنون به نمونه‌ای از کاربرد سجع
 در جهانگشا اشاره می‌کنیم:

- و الب غازی به خدمت سلطان آمده و
 خاک بارگاه به تقبیل شفاء مُجَدَّر شد و
 پیشانی او به سجده‌ی شکر مُعَفَّر.

(جوینی، جلد ۲، ص ۵۴)

- و با احتیاج اموال و مواشی مستظهر
 گشتند و هرچند از آن نهب و تاراج از سلطان
 متحاشی و مستشعر بودند.

(همان، ج ۲، ص ۵۶)

۳- جناس: این صنعت ادبی نیز پایه‌ی

صنعت سجع در کلام جوینی، نقش
 به‌سزایی در آرایش‌های کلامی دارد.
 از جمله:

الف) جناس تام و جناس مرکب

- طرب اوتار را بر طلب اوتار ترجیح
 نهاده، کمیت عتیق بر کمیت عتیق اختیار کرده.

(همان، ج ۲، ص ۱۸۷)

اوتار اولی معنی: آلات موسیقی و

دومی به معنی: کین خواهی، و کمیت عتیق

اولی به معنی: شراب کهنه و دیگری به

معنی: اسب سرخ‌رنگ اصیل و نجیب،

به کار رفته است.

- دور از خوشی معموری دور شد،

قصور بعد از سرکشی در پای قصور افتاد.

(همان، ج ۱، ص ۱۴۰)

دور جمع دار به معنی خانه‌هاست که با

دور به معنی فاصله بسیار و قصور به معنی

کاخ‌ها با واژه قصور به معنی نقصان و

خرابی جناس تام ساخته است.

ب) جناس ناقص

- سلطان شهاب‌الدین بر انتقام باز عزم

خروج را ساز می‌کرد.

(همان، ج ۲، ص ۵۴)

- غبنی تمام و عیبی بنام باشد که باقی را

به فانی معاوضه ززند.

(همان، ج ۱، ص ۵۵)

ج) جناس مضارع و لاحق

- رعایت جانب حزم را عزیمت حزم
 کرد.

(همان، ج ۲، ص ۵۴)

- اصحاب فیل چون دانستند از حرب و

بأس، یأس حاصل خواهد بود... فرار را

بر قرار اختیار نمود.

(همان، ج ۲، ص ۵۵)

د) جناس خط

- رعیت را رغبت بر مقابلت

خوارزمشایان بیش تر شد.

(همان، ج ۲، ص ۵۱)

هـ) جناس مقلوب

- وفود نجاح قلب و جناح او را تلقی

واجب می‌داشت.

(همان، ج ۲، ص ۹۵)

و) جناس زاید، مطرف و مزید

- عزیمت بدان طرف مستخلص گرداند و

دیوار آن را از جور و ظلم ظلمه‌ی ختانی مصفی.

(همان، ج ۲، ص ۷۴)

- او را به جان امان فرموده به قرار آن که

از اترار تحویل کند و با خیل و خیول...

(همان، ج ۲، ص ۸۱)

ز) جناس اشتقاق (ریشه) و شبه اشتقاق:

- هر مستدفی، مستوفی و هر مسرفی

مشرفی...

(همان، ج ۱، ص ۴)

- هر رادی مردودی و هر داهی ای قرین

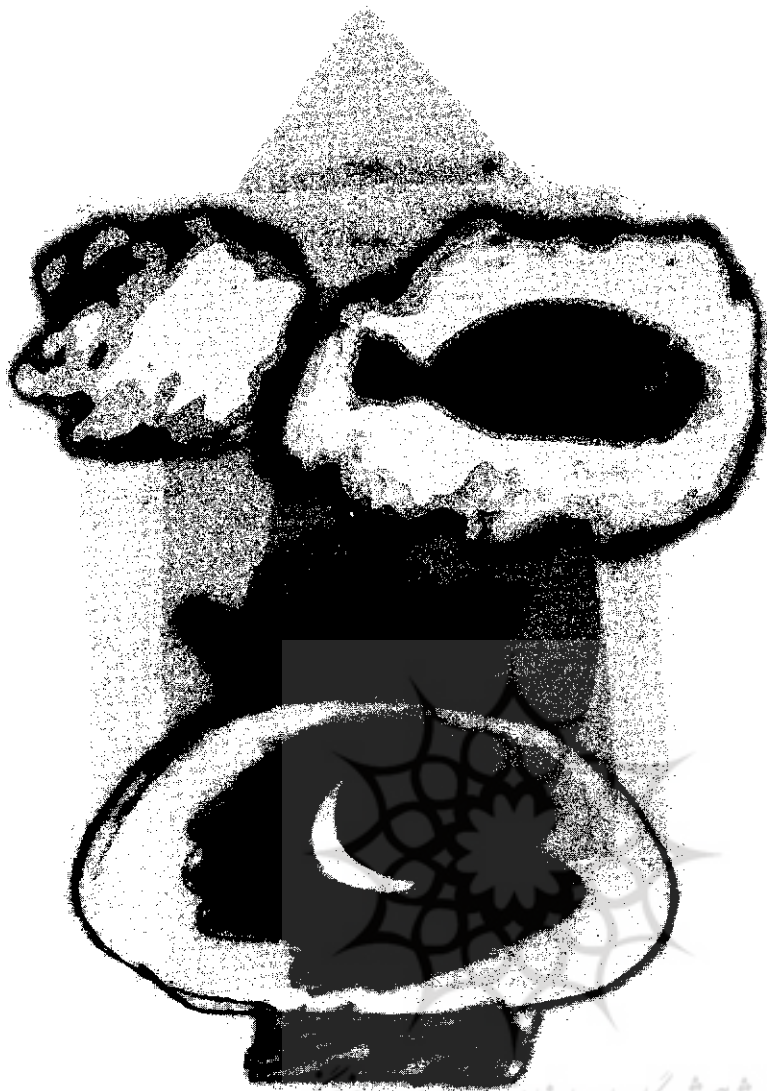
داهیه‌ای و هر محدثی رهین حادثه‌ای و هر

عاقلی اسیر عاقله‌ای...

(همان، ج ۱، ص ۵)

۴- مراعات نظیر: این صنعت در

راستای مقاصد ادبی نثر فنی - که به دنبال



ایجاد هارمونی کلامی از سیلاب واژگان مسجع و متجانس بهره می گیرد. نقش بارزی داراست؛ به گونه ای که گاه استفاده ی پی در پی از کلمات متناظر در جمله ها و عبارات هارشته ی سخن نویسنده را قطع می کند و پیوند معنایی را در ذهن خواننده می گسلاند. به طور کلی از آن جا که نویسندگان متون فنی و مصنوع در کمال آگاهی برای آرایش کلام خویش دست به گزینش واژگانی می زنند، خواه و ناخواه در دایره ی تداعی ها و گرداب آن گرفتار می شوند، به گونه ای که گاه ربط بین واژه ی اول با آخر جز از طریق واسطه معلوم نمی گردد. به نمونه ای از کاربرد این صنعت در جهانگشا اشاره می کنیم:

شاه سواران را مجال نماند که اسبان را در میدان جولان آرند؛ هر چند پیلان در انداختند؛ مغولان رخ نتافتند؛ ملک به زخم تیر فرزین بند ایشان که در بند فیل بود، بگشادند و صف پیاده را برهم ریختند.

(همان، ج ۱، ص ۹۳)

۵- اقتباس از آیات، احادیث، درج و

تضمین امثال و اشعار فارسی و عربی: کم تر صفحه ای از کتاب جهانگشا را می توان دید که خالی از این ویژگی باشد. ویژگی ای که هدف آن پرورش معنی، تکمیل سخن، تأکید و تأیید آن و برانگیختن توجه مخاطبان است. شدت و گستره ی استفاده از این ویژگی در توصیف ها و روایت های نثر جهانگشا به حدی است که گاه بوی لفاظی و فضل فروشی می دهد: کسی که بدین موضع قماش می آورد زیره است که به کرمان تحفه می آرد و آب عمان را نوباوه...

(همان، ج ۱، ص ۱۶)

هر چه در آینه جوان ببند

پیر در خشت خام آن ببند

(همان، ج ۲، ص ۸۰)

به حکم حدیث صحیح «من قتل دون نفسه و ماله فهو شهید»^۱ رخصت محاربت فرمود.

(ج ۲، ص ۵۵)

همانگونه که مشاهده می شود درج امثال و اشعار عربی و فارسی اغلب برای تکمیل معناست، به نحوی که نبود یا حذف آن در معنای جملات و رساندن پیام نویسنده خلل ایجاد می کند و این از دشوارترین نوع استفاده از این صنعت است.

ع- ایهام و انواع آن، که البته بیش ترین

بسامد مربوط به ایهام تناسب است:

چون سلطان دانست که آن قوم را در

چنین هنگامی اندیشه ی لجاج و عناد است نه رأی موافقت و اتحاد... چون مردان بر راه نسا عازم شادباخ شد.

(همان، ج ۲، ص ۱۲۳)

با توجه به واژه ی «مردان» نویسنده با واژه ی «نسا»، ایهام تناسب ساخته است.

ویر بساط محاربت بازی ها در هم شد و شاه سواران را مجال نماند که اسبان را در میدان جولان آرند، هر چند پیلان در انداختند مغولان رخ بر نتافتند...

(همان، ج ۱، ص ۹۳)

نویسنده با توجه به دو معنی «رخ» (ایهام مناسب)

ساخته است.

۷- تصویرگری های هنری یا ایماژهای

شاعرانه: از آن جا که جهانگشا به نشر فنی نوشته شده، عناصر تصویرساز (ایماژهای ادبی) در آن به وفور یافت می شود و باید مهم ترین و برجسته ترین عامل ادبی ساز و هنجار گریز کلام جوینی را در استفاده ی هنری و زیبا از آرایه های تصویرساز چون تشبیه، تشخیص، استعاره، کنایه و اغراق دانست به عواملی که در برجسته سازی (فورگرانیک) نثر جهانگشا از دیگر نثرهای زمان مغولان- که رویکرد عظیمی به سوی ساده نویسی داشته اند- بسیار مؤثرند.

در نثر جهانگشا به دلیل همین استفاده شاعر گونه از صنایع ادبی- بر خلاف نثرهای مرسل ادبی که فقط هنجارگریزی (Deviation of the norm) دارند- با قاعده افزایی و هنجار فرمایی (Extre regularity)؛ یعنی افزودن هنجارهای شعری به نثر، نیز مواجهیم. در واقع جوینی چونان نقاشی ماهر می کوشد به نقاشی با واژگان پردازد. اما نکته ی مهمی که در عموم نثرهای شعرگونه (نثرهای فنی) به ویژه نثر جوینی کاملاً مشهود است، جایگاه و زمان استفاده از آرایه های ادبی است. نویسندگان این گونه متن ها اغلب زمانی از صنایع ادبی استفاده می کردند که قصد توصیفگری داشته اند، بدین گونه که اینان نیز هم چون شاعران «موصوف را چنان که خود می دیدند یا می خواستند با لطف تخیل، دقت تعبیر، باریک اندیشی، مبالغه و اغراق شعری بیان می کردند و کم تر اتفاق می افتاد که موصوف چنان که هست وصف شود؛ بلکه به اسلوب شعر، قسمتی از آن که بیش تر توجه نویسنده را جلب کرده بود و یا بارشته ی معنی تناسب بیش تری داشت، وصف شود؛ معانی وصفی به مضامین شعری بدل می گشت و با همان کیفیت تعبیر با تمثیلات، استعارات،

کنایات و دیگر صنایع بیان می شد.

(خطیبی، همان، ۲۵۳)

نکته ی قابل ذکر دیگر کیفیت استفاده از تصاویر ادبی در جهانگشا است. به طور کل صور خیال متن جهانگشا از ابتکار و ابداع خاصی برخوردار نیست و اغلب تصویرسازی های آن تکراری و کلیشه ای و حاصل نگاه و خیال ادیبان فارس و عرب ماقبل اوست که جوینی با تحصیل و مطالعه، با آن ها آشنا شده است. تصاویری که اگرچه باعث پویایی نثر او گشته و آن را دل نشین کرده است، در کل حاصل تجربه های شخصی خود نویسنده نیست و بیش تر حاصل وصف های آفاقی و برون گراست- که خاص مراکز درباری، مداحی و حماسی و فضای روایی حاکم بر آن است- که جوینی با بازسازی و گاه بازآفرینی تصویرها تلاش می کند که از آشکاری آن ها بکاهد.

با همه این اوصاف، نثر جهانگشا از نمونه های هنرمندانه ی نثر نویسی فارسی و سرشار از ایماژهای شاعرانه است. اکنون به نمونه هایی از این عناصر تصویرساز و انحراف های زبانی کتاب جهانگشا اشاره می کنیم:

الف) نمونه هایی از تشبیه، استعاره و

انواع اضافه های تشبیهی و استعاری

- وفود درود آفرینش بر نور حدیقه ی آفرینش و نور حدقه ی اهل بینش خاتم انبیا محمد مصطفی باد... و هم چنین برگزیدگان امت و متبعان سنت او از یاران و اهل خاندان که نجوم آسمان هدایت و رجوم شیطان غوایت اند... و آثار معدلتی که خلاق به تازگی به واسطه ی آن چون طفلان کلا و اشجار به خاصیت گریه ی ابر بهاری خنده زنان شوند، انتعاشی گرفتند و به وسیلت آن بار دیگر ارتیاشی یافتند امتثال

فرمان ربّانی را که «انظروا الی آثار رحمة الله کیف یحیی الارض بعد موتها» مشاهده افتاد.

(جوینی، ج ۱، ص ۲)

در این مثال به روشنی مشاهده می شود که اضافه های تشبیهی چون: «وفود درود آفرینش، نور حدیقه ی آفرینش، نور حدقه ی اهل بینش- که این دو اضافه ی آخر در واقع مشبه به خاتم انبیاست- نجوم آسمان هدایت، رجوم شیطان غوایت و طفلان کلا و اشجار»، تا اضافه ی استعاری «گریه ی ابر بهاری» در کنار تشبیه خلاق به شاخه های تازه رویده ی درختان همه و همه نشانه های برجسته ی نثر جوینی و جنبه های ادبیت کلام اوست.

- تا روز سیم که مشعله ی زبانه ی خورشید از میان ظلمت دخان شب قبری بالا گرفت و شب سیاه در کنج انزو رفت، چندان مرد از مغول و حشری مجتمع شده بودند که عدد آن ها از ریگ بیابان و قطار باران فزون بود.

(همان، ج ۱، ص ۹۲)

- روز دیگر که عقاب جمشید افلاک را سر از عقاب خاک افراخته شد و پیکر آتشین خور بر طبق آسمان افروخته گشت خلاق را که از زیر شمشیر جسته بودند شمار کردند.

(همان، ج ۱، ص ۹۵)

در شواهد فوق نیز استعاره هایی چون «شاه سیارگان» و «عقاب جمشید افلاک»- که هر دو استعاره از خورشیدند- و «علم»- که استعاره از پرتو خورشید است- و اضافه استعاری چون «پیکر آتشین خور» در کنار تشبیه اغراق آمیز کثرت افراد مغولی به «ریگ بیابان و قطار باران» و اضافه های تشبیهی چون «مشعله ی زبانه ی خورشید و شب قبری» تصاویر شاعرانه ای ایجاد کرده و نثر او را به مرز شعر نزدیک کرده اند.

ب) کتابه

- یکی از آن جماعت تیری غرق کرد. (همان، ج ۱، ص ۸۹)
- تیر غرق کردن: کنایه از کشیدن کمان به غایت و پرتاب تیر از کمان به شدت.
- مغولان دندان انتقام تیز کرده و دهان حرص گشاده که «بار دیگر دستی بزنیم و کامی برانیم و خلافتی را حطب تنور بلا سازیم...»
- (همان، ج ۱، ص ۹۰)
- دندان انتقام تیز کردن: کنایه از قصد انتقام گیری داشتن و دستی زدن کنایه از حمله بردن.
- صاحب اترار چون دید و دانست که بغاث الطیور با مخالف صقور تپانچه زدن محال است چاره‌ی کار در بیچارگی دید، با شمشیر و کرباسی میان امل و یاسی بیرون آمد و روی بر زمین بارگاه نهاد.
- (همان، ج ۲، ص ۸۰)
- با شمشیر و کرباس بیرون آمدن، کنایه از تماماً تسلیم فرمان و اراده کسی شدن.
- ## ج) اغراق
- از آن‌جا که جهانگشا در توصیف حملات مغولان و جهانگشایی چنگیزخان
- و اخلاف او نوشته شده و نوعی فضای حماسی‌ای بر آن حاکم است، سرشار از این آرایه تصویرساز است، که به نمونه‌های زیر اکتفا می‌کنیم:
- تیراندازانی که به زخم تیر، باز را از مقعر فلک اثیر بازگرداندند و ماهی را به گزارد سنان نیزه در شبان تیره از قعر دریا بیرون اندازند. (جوینی، ج ۱، ص ۶۳)
- و چون مردان بر راه نسا عازم شادیاخ شد، تا به استور رسید، بالشکر تاتار دوچار زد و با عدد قلیل ساعتی طویل با آن قوم محاربت نمود و به حمله‌های متواتر متعاقب، که اگر در آن حالت پور زال بودی جز راه گریز نسپردی، مقاومت کرد، تا به وقتی که روزگار چادر قیری پوشید: سپهد عنان اژدها را سپرد/ به گرد از جهان روشنایی ببرد. (همان، ج ۲، ص ۱۳۳)
- ## نتیجه گیری
- کتاب تاریخ جهانگشا از عمده‌ترین کتاب‌های تاریخی فارسی است که به سبک و سیاق ادبی (به نشر فنی) نگاشته شده است. از حالت شعرگون و تصویرسازی‌های ادبی آن به خوبی مشهود
- است که هدف نویسنده‌ی آن، تنها تاریخ نویسی نبوده، بلکه قصد اظهار فضل و ادب نیز داشته است. جوینی اگرچه گاه در استفاده از آرایه‌های ادبی افراط کرده است و شیوه‌ی تصویر در تصویر را برگزیده، گاه جنبه‌ی روایی تاریخ، بر نحوه‌ی بیان وی چیره گشته و او را از آراستن کلام خود باز داشته است؛ عاملی که در بسیاری از مواقع باعث عدم یکپارچگی نثر جهانگشا شده است.
- به طور کلی کتاب «جهانگشای جوینی» در بسیاری از مواقع از اهداف تاریخی خود فاصله می‌گیرد و به مرز شعر نزدیک می‌شود. علاقه‌ی فراوان جوینی به تصویرسازی‌های ادبی خواننده را با هنجارگریزی‌ها و قاعده‌افزایی‌های بسیاری مواجه می‌سازد، به گونه‌ای که گاه رشته‌ی پیوند میان معنی و صورت به واسطه‌ی ازدحام تصاویر گسسته و خواننده در گرداب تصاویر شاعرانه غرق می‌شود. مطابق این تحقیق، بیش‌ترین کارکرد در ادبی شدن نثر جهانگشا بعد از آرایه‌های لفظی چون سجع و جناس-که در آهنگین کردن و موزیکال نمودن آن نقش عمده‌ای داشته‌اند- مربوط به صنایع تصویرساز چون تشبیه، کنایه و استعاره است.

پی‌نوشت:

۱. حدیثی است به این معنی: «هرکس در راه دفاع از جان و مال کشته شود، شهید می‌شود.»
 ۲. بعد از حمله مغولان، اولاً به دلایلی چون قطع شدن ارتباط اهل علم با کتب قدیم و گسیخته شدن رابطه استادی و شاگردی و سقوط بغداد-که مرکز حکومت اسلامی بود- به دست هلاکوخان، از اهمیت زبان عربی کاسته شد. لذا دیگر کسی به سوی عربی نویسی تمایل نشان نمی‌داد. ثانیاً
- علاقه‌ی مغولان به ساده‌نویسی و مختصرگویی منجر به تمایل نشر فنی به سوی ساده‌نویسی گشت به گونه‌ای که بعد از مدتی نثر فنی از میان رفت. لذا رویکرد عظیمی به سوی ساده‌نویسی ایجاد شده بود. جوینی خود در مقدمه کتاب خود از چنین رویکرد و کشته شدن طبقه فضلا و دبیران به دست مغولان سخن به میان می‌آورد. (نگ: شمیسا، سبک‌شناسی نثر، ۱۳۷۹، ص ۱۷۲)

منابع و مأخذ:

۱. بهار، محمدتقی، سبک‌شناسی، چاپ نهم، تهران، انتشارات مجید، ۱۳۷۶.
۲. پوزنماداریان، تقی، سفر در مه، چاپ اول، تهران، انتشارات زمستان، ۱۳۷۴.
۳. خاتمی، احمد، شرح مشکلات تاریخ جهانگشا، چاپ اول، تهران، انتشارات پایا، ۱۳۷۳.
۴. خطیبی، حسین، فن نثر، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۵.
۵. جوینی، عطاملک محمد، بهار، منشی، نصرالله، کلیده و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۶. نسوی، محمد، نفثة المصنوع، تصحیح و توضیح امیرحسین یزدگردی، چاپ دوم، تهران، نشر ویراستار، ۱۳۷۰.
۷. نظامی عروضی، چهار مقاله یا مجمع النوادر، تصحیح علامه محمد قزوینی و شرح دکتر محمد معین، نشر جامی، چاپ ۱۳۷۵.
۸. جهانگشا، تصحیح علامه محمد قزوینی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۸.
۹. شعار، جعفر، گزیده تاریخ جهانگشا، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۸.
۱۰. شفیع کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، چاپ هفتم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۷۸.
۱۱. شمیسا، سیروس، سبک‌شناسی نثر، چاپ چهارم، تهران، انتشارات میترا، ۱۳۷۹.